



به رنگ طلا و مسی

ابراهیم و پسر نوجوان را بررسی می‌کند. فیلم هر چند در روایت قصه و ماجراها دچار لکنت نمی‌شود، اما بسیار ساده روایت می‌شود و این شاید در اکران عمومی زیاد در جهت فروش آن گام بردارد.

دوشنبه پنجم بهمن

خوابهای دنباله‌دار، بدون شناسنامه و معلق

سانس اول روز دوم را با فیلم «خواب‌های دنباله‌دار» پوران درخشنده شروع می‌کنیم. فیلم در خصوص کودکان است اما در پایان فیلم هم معلوم نمی‌شود درخشنده در پی چیست و چه می‌خواهد بگوید. فیلم روایت یک دختر بچه دوم دبستانی است که هر چه در خواب می‌بیند در واقعیت اتفاق می‌افتد. خوابهای دنباله‌دار تا دلتان بخواهد مشکلات ریز و درشت فیلمنامه دارد و آن را در حد یک ایده و یک فیلم کوتاه تنزل می‌دهد. خوابهای دنباله‌دار به دلیل قصه ابتدایی و فاقد جذابیتش، به طور حتم در اکران عمومی هم به توفیقی نمی‌رسد.

شخصیت‌های معلم ریحانه، مامور نیروی انتظامی و... آن قدر بدون شناسنامه و معلقند که چون وصله‌های نجسب بر کلیت فیلم سنگینی می‌کند. کاش این فیلم از ابتدا در پی روایت خط اصلی قصه خود بود و با پرداختن به مسائل اجتماعی دیگر درباره کودکان معلول، از هدف اصلی خود باز نمی‌ماند.

طلا و مسی، قابل احترام و ارزشمند

«طلا و مسی» فیلم سانس دوم روز دوم بود. فیلمی به کارگردانی همایون اسعدیان، فیلمی که در روز دوم جشنواره باعث شد کمی تا قسمتی اهالی رسانه با آن ارتباط برقرار کنند.



طلا و مسی قصه طلبه جوانی است که به اتفاق همسر و دو فرزند کوچکش از شهرستان به تهران می‌آیند اما بعد از چندی همسرش به بیماری ام‌اس دچار می‌شود و حالا طلبه جوان باید هم خانه و بچه‌داری کند و هم به امور کار و مردانه‌اش برسد.

طلا و مسی هر چند ریتم کندی دارد و به قول معروف از فیلمنامه‌ای متوسط برخوردار است اما در مجموعه فیلم خوب و سالمی است و بسیاری از صحنه‌های آن دلنشین و جذاب از کار درآمده است. رویدادهای قصه آنچنان خاص نیستند اما قرار هم نیست اینگونه باشد. طلا و مسی فیلم آرام و روانی است که

تسویه حساب میلانی با مردان

«تسویه حساب» ساخته تهمینه میلانی هم پس از چند سال توقیف بودن به نمایش درآمد. فیلم بر خلاف فیلم‌های اجتماعی سطحی به اجتماع دارد و راهکاری هم ارائه نمی‌دهد و گویی فقط قصد پوز مردان را به خاک مالیدن داشته است.



فیلم قصه چهار زن است که از جامعه، خصوصاً مردان عقده دارند و در پی انتقام برمی‌آیند و به نوعی می‌خواهند با جامعه تسویه حساب کنند. در همین ابتدا باید گفت تسویه حساب ضعیف‌ترین فیلم تهمینه میلانی است. از فیلمنامه و دیالوگ‌های سطحی و آبکی‌اش گرفته تا شخصیت‌های بدون شناسنامه‌اش و گفتن همان حرف‌های قدیمی که دیگر بدجوری حال آدم را بد می‌کند.

فیلم نه فضایی مستندگونه و تاثیرگذار دارد و نه فیلمی قصه‌گوست که در روند دراماتیک قصه‌اش مخاطب به نتایج ارزشمندی دست یابد.

تسویه حساب فیلمی است که تکلیفش با خودش هم روشن نیست. فیلمی است در حمایت از زنانی که پناهی ندارند و تنها سلاحشان زن بودنشان است. فیلمی است در ستایش از مرد خوبی که با ادب و آرشیتکت هم هست و...

صبح روز هفتم، خیلی ساده

صبح روز هفتم در سومین سانس روز اول جشنواره به نمایش درآمد. فیلم قصه آزادی یک زندانی است که کسی منتظر آزادی او نیست.

فیلم خیلی ساده و بدون کش و قوس است و هیچانی برای ترغیب ماجراها در مخاطب ایجاد نمی‌کند اما تجربه خوبی برای اطمینان است.

دیگری، در اکران موفق نیست

سانس چهارم روز اول «دیگری» به کارگردانی مهدی رحمانی است.

فیلم قصه مردی روستایی است که سعی دارد با پسر زنی که قصد ازدواج با او را دارد به تهران بیاید تا وادتی که متعلق به او و پدر مرحوم پسر است به فروش برساند.

مدت زمان زیادی از فیلم در سفر می‌گذرد و روابط

یکشنبه چهارم بهمن

به رنگ ارغوان، حرفه‌ای و خوش ساخت

ساعت ده صبح است که جشنواره با نمایش فیلم به رنگ ارغوان ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا شروع می‌شود. فیلمی که پس از چند سال توقیف و کس و قوس به نمایش درآمد.

به رنگ ارغوان فیلم جدال دل و عقل است و می‌شود گفت سیاسی‌ترین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا، هر چند که رگه‌هایی از یک فیلم شاعرانه هم در خود دارد.

به رنگ ارغوان قصه یک مامور امنیتی و اطلاعاتی است که ماموریت می‌یابد دختری که دانشجوی جنگلداری است را تحت نظر بگیرد. او فرزند یک منافق و مخالف نظام است که پس از مدتها متواری بودن، سر و کله‌اش پیدا شده است. آخرین فیلم حاتمی‌کیا قصه با چفت و بستنی دارد که شروع خوبی دارد و پایانی غیرمنتظره را فراروی مخاطب قرار می‌دهد، اما اینها بارها در قصه‌هایی از این دست اتفاق افتاده اما این بار فقط رنگ و لعاب سیاسی فیلم باقیه فیلم‌ها متفاوت است. چیزی که به رنگ ارغوان را بیشتر در ذهن ماندگار می‌کند این است که یک سر و گردن از فیلم «دعوت» بالاتر است، و ساخت و نمایش این فیلم یک تذکر جدی به مسوولان فرهنگی داد که نترسید و بگذارید حتی فیلم‌های سیاسی هم ساخته شود. گاه یک فیلم سیاسی می‌تواند ظرفیت‌های یک سیستم را هم بالا ببرد.



بازی فرخ‌نژاد در به رنگ ارغوان از به یادماندنی‌ترین بازی‌هاست. او آنقدر خوب دو شخصیت متضاد و دور از هم هوشنگ و شهاب ۳ را ایفا می‌کند که حتی مخاطب هم گاه فراموش می‌کند هویت واقعی او چیست؟

تیتراژ فیلم دقیقاً همانی است که باید باشد. بازی با خطوط و اعداد و کدهای امنیتی، به درستی ذهن مخاطب را به فضای فیلم می‌کشاند.

اگر حاتمی‌کیا جدا از قهرمان اصلی‌اش - شهاب ۳ - به ماجراها و بقیه شخصیت‌ها هم توجه نشان می‌داد کار بهتر می‌شد و به همین دلیل است که هر گاه قهرمان اصلی قصه حتی برای لحظاتی از قصه خارج می‌شود، داستان افت پیدا می‌کند و گاه به حال احتضار می‌افتد.